



Discourse Analysis of Westernization in Jokha Al-Harthi's Novel *Harir al-Ghazala* Based on Norman Fairclough's Theory

Ali Asvadi¹ , Issa Zare Dorniani² , Abdollah Hosseini³  & Mohammad Hossein Nouri⁴ 

1 Associate professor of Arabic language and literator, Kharazmi university, Tehran, Iran. Email: asvadi@khu.ac.ir

2 Associate professor of Arabic language and literator, Kharazmi university, Tehran, Iran. Email: isazaredorniani@khu.ac.ir

3 Associate professor of Arabic language and literator, Kharazmi university, Tehran, Iran. Email: dr.abd.hoseini@khu.ac.ir

4 M.A. Student department of Arabic language and literator, Kharazmi university, Tehran, Iran. Email: mh.noori@khu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Westernization, defined as the imitation of Western intellectual models and values without reflecting on their merits and drawbacks, is a major issue in developing and Third World countries, as it can lead to identity crises and confusion. Jokha Al-Harthi's novel <i>Harir al-Ghazala</i> depicts the effects of Westernization on interpersonal relationships in Oman amid the tension between tradition and modernity. Using Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis, this study examines Westernization in the novel at the levels of description, interpretation, and explanation. At the descriptive level, semantic relations show that Western-oriented relationships create severe psychological vulnerability; declarative and interrogative sentences, along with positive active verbs, indicate that Western culture promotes irresponsibility within the family and contributes to its disintegration; and metaphorical language presents the family as an obstacle to progress that is rejected by Western culture. At the interpretive level, the situational context shows that excessive imitation of Western values leads to mental disorders, while the intertextual context reveals a shared critique of Westernization in <i>Harir al-Ghazala</i> and Al-Harthi's other work, <i>Celestial Bodies</i> . At the explanatory level, the discourse of Westernization in Omani society emerges gradually: traditional thought initially limited interest in Western modernity; pressure resulting from traditional restrictions then encouraged the acceptance of modernity in pursuit of individual freedom; and, finally, excessive attachment to individualistic Western values produced the discourse of Westernization.
Article history: Received 2025 Dec 17 Received in revised form 2026 Feb 08 Accepted 2026 Mar 12 Published online 2026 Mar 25	
Keywords: Discourse Analysis, Westernization, Norman Fairclough, Jokha Al-Harthi, <i>Harir al-Ghazala</i> .	

Cite this article: Asvadi, A., & others, (2026)., Discourse Analysis of Westernization in Jokha Al-Harthi's Novel *Harir al-Ghazala* Based on Norman Fairclough's Theory. *Arabic Prose Studies*, 3 (1). 36-52. DOI: <https://doi.org/10.22091/npa.2026.16423.1065>



© The Author(s)

DOI: 10.22091/npa.2026.16423.1065

Publisher: University of Qom



تحليل خطاب التغريب في رواية حرير الغزالة لجوخة الحارثي بناء على نظرية نورمان فيركلاف

علي أسودي[✉]، عيسى زارع درنياني^{ID}، عبدالله حسيني^{ID} و محمد حسين نوري^{ID}

١ الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: asvadi@khu.ac.ir

٢ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: isazaredorniani@khu.ac.ir

٣ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: dr.abd.hoseini@khu.ac.ir

٤ طالب الماجستير في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: mh.noori@khu.ac.ir

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تمثل التغريب، أي محاكاة النماذج والقيم الفكرية الغربية دون التفكير في مزاياها وعيوبها، مشكلة رئيسية في الدول النامية والعالم الثالث، حيث يمكن أن تؤدي إلى أزمة هوية وارتباك. تصور رواية حرير الغزالة للكاتبه جوخة الحارثي آثار التغريب على العلاقات البينية في سلطنة عمان في ظل التوتر بين التقليد والحداثة. باستخدام تحليل الخطاب النقدي لنورمان فيركلاف، تدرس هذه الدراسة التغريب في رواية حرير الغزالة على مستويات الوصف والتفسير والتبيين. على مستوى الوصف، تظهر العلاقات الدلالية أن العلاقات الموجهة نحو الغرب تخلق ضعفاً نفسياً شديداً؛ وتشير الجمل الخبرية والإنشائية، إلى جانب الأفعال الإيجابية المبينة للمعلوم، إلى أن الثقافة الغربية تنشر عدم المسؤولية في الأسرة وتسبب انهيارها؛ وتقدم اللغة المجازية الأسرة كعائق أمام التقدم ترفضه الثقافة الغربية. على مستوى التفسير، يوضح السياق الموقف أن التقليد المفرط للقيم الغربية يؤدي إلى اضطرابات عقلية، بينما يكشف السياق البيني عن نقد مشترك للتغريب في رواية حرير الغزالة وعمل الحارثي الآخر، سيدات القمر. على مستوى التبيين، تظهر خطاب التغريب في المجتمع العماني تدريجياً: فالفكر التقليدي حد في البداية من الاهتمام بالحداثة الغربية، ثم شجع الضغط الناتج عن القيود التقليدية على قبول الحداثة من أجل الحرية الفردية، و أخيراً، أنتج التعلق المفرط بالقيم الغربية الفردية خطاب التغريب.
الكلمات الرئيسية:	تحليل الخطاب، التغريب، نورمان فيركلاف، جوخة الحارثي، حرير الغزالة.

الاقتباس: أسدي، علي و زملاؤه. (١٤٠٥). «تحليل خطاب التغريب في رواية حرير الغزالة لجوخة الحارثي بناء على نظرية نورمان فيركلاف». بحوث في

الشعر العربي، ٣ (١). صص: ٥٢-٣٦. <https://doi.org/10.22091/npa.2026.16423.1065>





تحلیل گفتمان غرب‌زدگی در رمان حریر غزاله اثر جوخه حارثی براساس نظریه نورمن فر کلاف

علی اسودی^۱✉، عیسی زارع درنیانی^۲، عبدالله حسینی^۳ و محمد حسین نوری^۴ ID

۱ نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: asvadi@khu.ac.ir

۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: isazaredomiani@khu.ac.ir

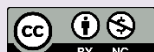
۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: dr.abd.hoseini@khu.ac.ir

۴ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: mh.noori@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای محروم و جهان سوم، غرب‌زدگی است؛ یعنی تقلید از الگوها و ارزش‌های فکری غرب بدون تأمل در مزایا و معایب آن، که می‌تواند به بحران هویت و سردرگمی انسان منجر شود. رمان حریر غزاله تأثیرات غرب‌زدگی بر روابط افراد را در سرزمین عمان و در سایه تقابل سنت و مدرنیته روایت می‌کند. این پژوهش براساس چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فر کلاف، به بررسی گفتمان غرب‌زدگی در رمان حریر غزاله در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین می‌پردازد. در سطح توصیف، روابط معنایی کلمات نشان می‌دهد که روابط دارای مبنای غربی، آسیب‌پذیری شدید روانی ایجاد می‌کنند؛ به کارگیری جملات خبری و استفهامی و افعال مثبت و معلوم بیانگر آن است که فرهنگ غرب با اشاعه عدم تعهد در خانواده، ساختار آن را فرو می‌پاشد؛ و بیان استعاری مشخص می‌کند که فرهنگ غرب، خانواده را مانعی برای رسیدن به اهداف می‌داند و آن را طرد می‌کند. در سطح تفسیر، بافت موقعیتی نشان می‌دهد که زیاده‌روی در تقلید از ارزش‌های نادرست غربی، به بیماری‌های روانی می‌انجامد و بافت بینامتنی بیانگر آن است که نقد غرب‌زدگی و پیامدهای آن، وجه مشترک رمان حریر غزاله با آثار دیگر حارثی مانند رمان سیدات قمر است. در سطح تبیین، فرآیند شکل‌گیری گفتمان غرب‌زدگی در جامعه عمان چنین است: ابتدا به سبب غلبه تفکر سنتی، مردم به مدرنیته غربی تمایلی نداشتند؛ سپس بر اثر فشار محدودیت‌های سنتی، تمایل به پذیرش مدرنیته برای کسب آزادی‌های فردی شکل گرفت و گرایش بیش‌ازاندازه به ارزش‌های فردگرایانه مدرنیسم غربی، به پیدایش گفتمان غرب‌زدگی منجر شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۵	
کلیدواژه‌ها:	
تحلیل گفتمان، غرب‌زدگی، نورمن فر کلاف، جوخه حارثی، حریر غزاله.	

استناد: اسودی، علی و همکاران. (۱۴۰۵). «تحلیل گفتمان غرب‌زدگی در رمان حریر غزاله اثر جوخه حارثی براساس نظریه نورمن فر کلاف». نشر پژوهی عربی، ۳ (۱).

صص: ۵۲-۳۶. <https://doi.org/10.22091/npa.2026.16423.1065>



(۱) مقدمه

غرب پس از پیشرفت‌های علمی دوره رنسانس، توانست گامی در جهت برقراری ارتباط بهتر با سایر کشورها بردارد. این ارتباط که ابتدا با هدف تجارت دریایی بود، به سرعت جای خود را به استعمارگری و تصرف منابع طبیعی سرزمین‌های شرقی داد؛ به ویژه پس از انقلاب صنعتی که نیاز به مواد اولیه، بازار مناسب و نیروی کار ارزان در کشورهای غربی احساس شد. هدف غریبان از حضور در این کشورها محدود به تصرف منابع طبیعی نبود؛ بلکه آنها قصد داشتند الگوی زندگی، تفکر و حتی ارزش‌های خود را تحمیل کنند تا سلطه‌شان پایدار بماند. به این ترتیب بود که استعمار فرهنگی شکل گرفت. بسیاری از مردم در جوامع شرقی مانند عمان، تحت تاثیر نفوذ فرهنگی غرب و محدودیت‌هایی که زندگی سنتی برای آنها اعمال می‌کرد، شیوه زندگی غربی را برگزیدند و زیاده‌روی در تقلید از ارزش‌های نادرست غربی، سرانجام به شکل‌گیری گفتمان غرب‌زدگی منجر شد. غرب‌زدگی به معنای «غلبه تفکر متافیزیکی بر هر گونه تفکر شهودی، قلبی، معنوی و حضوری است» (عبدالکریمی، ۱۳۹۲: ۴۷).

جوخه حارثی، متولد سال ۱۹۷۸ میلادی، نویسنده و استاد دانشگاه اهل عمان است. او برای نگارش رمان سیدات قمر، برنده جایزه جهانی من بوکر در سال ۲۰۱۹ شد. داستان‌های نارنج، صبی علی سطح و حریر غزاله نیز از جمله آثار او هستند. حارثی در رمان حریر غزاله، شرایط جامعه عمان را از دهه ۱۹۷۰ به بعد روایت می‌کند؛ زمانی که مظاهر مدرنیته وارد جامعه عمان شد و مردم برای گذر از محدودیت‌های سنت، تلاش کردند به آزادی‌های فردی دست پیدا کنند. حارثی نشان می‌دهد که در این فرآیند، برخی شخصیت‌ها به جای بهره‌مندی اصولی از مدرنیته، گرفتار تقلید سطحی و انفعالی از سبک زندگی غربی شدند که به غرب‌زدگی منجر شد.

با توجه به رویکرد انتقادی حارثی در رمان حریر غزاله نسبت به غرب و پیامدهای اجتماعی آن و از این نظر که گفتمان غرب‌زدگی، در نتیجه فرآیندی نسبتاً طولانی مدت در عمان شکل گرفته است، این پژوهش بر پایه‌ی رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف انجام گرفته است که به بررسی چگونگی تولید گفتمان در متن می‌پردازد. تحلیل گفتمان، رویکردی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه نظام‌مند ساختار و فرآیند تولید متن و گفتار می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند» (همان: ۸). رویکرد فرکلاف، گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند: در سطح توصیف، گفتمان با تمرکز بر مشخصه‌های زبانی بررسی می‌شود. در سطح تفسیر، رویه گفتمانی در دو بخش بافت موقعیتی و بینامتنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در سطح تبیین، گفتمان به عنوان بخشی از روند مبارزات اجتماعی بررسی می‌شود (همان: ۹۵).

(۱-۱) روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش، رمان حریر غزاله اثر جوخه حارثی می‌باشد. داده‌های پژوهش شامل گزاره‌ها، واژگان، ساختارهای نحوی، افعال، ضمایر، استعاره‌ها و شواهد بینامتنی مرتبط با گفتمان غرب‌زدگی است که به صورت هدفمند انتخاب و براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی شده‌اند.

۲-۱) پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- چگونه می‌توان گفتمان غرب‌زدگی را با نظریه نورمن فرکلاف در داستان حریر غزاله تطبیق داد؟
- ۲- چگونه حارثی از امکانات زبانی و گفتمانی برای بازنمایی و نقد غرب‌زدگی استفاده می‌کند؟

۳-۱) پیشینه پژوهش

در رابطه با رمان حریر غزاله، غرب‌زدگی و نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

سمیه نیک‌فر و دیگران (۱۴۰۲ش) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی مهاجرت در رمان ساعة بغداد از شهدالراوی برپایه نظریه نورمن فرکلاف»، به تحلیل گفتمان انتقادی رمان ساعة بغداد، با هدف شناسایی عاملیت شرایط اجتماعی و گفتمان‌های مولد جامعه می‌پردازد و در پی کشف پیوند میان جنگ و اشغال با تولید و تقویت گفتمان مهاجرت است. مفتوحة سلامة النعمة در پایان‌نامه کارشناسی با عنوان «الجملة المتعدية في رواية حرير الغزالة لجوخة الحارثي على اساس نظرية تاغميميك كينيت ل. بیک» به بررسی الگوها و ساختارهای جمله متعدی در رمان حریر الغزالة اثر جوخه حارثی براساس نظریه کنت ال. پایک می‌پردازد.

علی خالقی و پوران رضایی چوشلی (۱۴۰۴ش) در مقاله «استراتیجیه حنا مینه حول الحبّ والنضال ضدّ المستعمر الفرنسي في صراع امرأتين على ضوء منهج الخطاب النقدي لفيركلاف»، به تحلیل گفتمان انتقادی رمان صراع امرأتين از نظر عشق و پیکار، ضد استعمار فرانسوی در دوره‌ی اشغال سوریه توسط فرانسه و مبارزه‌ی مردم سوریه علیه استعمار می‌پردازد.

براساس بررسی منابع در دسترس پژوهشگران، تاکنون پژوهشی در رابطه با تحلیل گفتمان غرب‌زدگی در رمان حریر غزاله انجام نگرفته است و از این نظر، مقاله حاضر یک نوآوری محسوب می‌شود.

۲) چارچوب نظری

غرب، حجاب شرق است و از زمانی که تمدن یونان آغاز شد، شرق بیشتر در حجاب فرو رفت و با ظهور تجدد، به کلی پنهان شد. افرادی که از شرق دور می‌شوند و دل به غرب می‌سپارند، غرب‌زده‌اند و غرب‌زدگی مراتب و مراحل مختلفی دارد. مرحله نخست غرب‌زدگی، همان یونان‌زدگی است و مرحله دوم آن، از آغاز دوره تجدد تا کنون است که غرب‌زدگی انسان تشدید می‌شود (غرب‌زدگی مضاعف).

در غرب‌زدگی مضاعف، بشر همه چیز را جز نفس خود سرکوب می‌کند. غرب‌زدگی از لحاظ کیفی، به دو نوع مرکب و بسیط تقسیم می‌شود. غرب‌زدگی مرکب یعنی انسان، غرب‌زده باشد اما خودش از آن بی‌خبر باشد. غرب‌زدگی بسیط یعنی انسان، از غرب‌زدگی خود با خبر و به آن واقف باشد. نوعی دیگر از تقسیم‌بندی غرب‌زدگی، (سلبی و ایجابی) است. غرب‌زدگی ایجابی یعنی فرد، بر غرب‌زدگی خود اصرار می‌کند و بر اصالت نفس بشری تاکید دارد. در

مقابل این تفکر، غرب‌زدگی سلبی قرار دارد. یعنی فرد غرب‌زده، می‌خواهد تفکر نیست‌انگاری را کنار بگذارد و به آغاز انتظار آماده‌گر رسیده است (فردید، ۱۳۸۱: ۹۰).

۲-۱) تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف (۱۹۴۱) زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی است. فرکلاف از بنیان‌گذاران نظریه تحلیل گفتمان انتقادی به شمار می‌رود. این نظریه ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد؛ دانشی که هدف از آن، نمایان ساختن روابط پنهان قدرت و سازوکارهای ایدئولوژیک در متون زبانی است (محسنی، ۱۳۹۱: ۶۴).

فرکلاف، رخدادها و متون را پدیده‌هایی می‌داند که از مناسبات قدرت برآمده‌اند و در مبارزات قدرت مشارکت می‌کنند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۷). تحلیل گفتمان انتقادی، عبارت است از به کار بردن روشی کیفی در تحلیل متن که ضمن توجه به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، رابطه زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت در گفتمان، عناصر زبانی و غیر زبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنش‌گران، مورد مطالعه قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۲۱). فرکلاف، تحلیل انتقادی متن را در سه سطح: توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند. در مرحله توصیف، ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن، کلمات، قواعد و منابع متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد (Fairclough, ۱۲۵: ۲۰۰۱).

در مرحله تفسیر، به بررسی بافت موقعیتی و بینامتنی متن پرداخته می‌شود (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۹۵). فرکلاف، قلمروهای تفسیر زمینه متن را بر آگاهی‌های پیشین منطبق می‌داند و بیان می‌کند که در مرحله تفسیر، طرفین درگیر در گفتمان مستقل نیستند (همان: ۲۴۴-۲۱۵).

در مرحله تبیین که هدف آن «توصیف گفتمان به عنوان بخشی از فرآیند اجتماعی است»، نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری گفتمان و توانایی گفتمان در استمرار یا دگرگونی آن ساختارها بررسی می‌شود (همان: ۲۴۵).

۲-۲) جوخه حارثی و رمان حریر غزاله

جوخه حارثی (۱۹۷۸) رمان‌نویس، نویسنده زن معاصر و استاد دانشگاه سلطان قابوس است. او اولین نویسنده عمانی است که آثارش به انگلیسی ترجمه می‌شود. رمان‌های سیدات قمر، نارنجه و حریر غزاله از جمله آثار او هستند.

رمان حریر غزاله، در پس زمینه جامعه عمان از دهه ۱۹۷۰ به بعد شکل می‌گیرد. زمانی که جامعه عمان با دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی مهمی رو به رو بوده و تقابل بین سنت و مدرنیته، زندگی مردم عمان را تحت تأثیر قرار داده است. در این بین زنان به دلیل محدودیت زیاد، آسیب بیشتری را در گذار از سنت به مدرنیته متحمل می‌شوند. در واقع حارثی در صدد بیان این نکته است که برخی افراد به جای حرکت منطقی به سمت مدرنیته، با تقلید سطحی از الگوهای غربی، به سوی ارزش‌های فردگرایانه گرایش پیدا می‌کنند که این امر، پیامدهای ناخوشایندی را در روابط میان آنها به همراه دارد.

رمان حریر غزاله که نمونه‌ای از ادبیات پسااستعماری زنانه در جهان عرب به شمار می‌رود، تجربه‌ی زیسته‌ی زنان را از مسیر روایت‌های شخصی نمایان می‌سازد. حارثی، در این داستان، درست مانند رمان سیدات قمر، ماجرای زندگی چند شخصیت را در تقاطعی هماهنگ با یکدیگر قرار می‌دهد: غزاله، لیلا، حریر، سعدیه و ملیحه. حریر و غزاله شخصیت‌های اصلی ماجرا هستند که در دو دنیای متفاوت از هم زندگی می‌کنند. حریر، نماینده زندگی سنتی است که

سعی دارد هویت اصیل خود را در برابر فشار تبلیغاتی مدرنیته حفظ کند و غزاله، نماینده زندگی مدرن است که در تلاش است تا جایگاه خاصی را در دنیای جدید به دست بیاورد.

(۳) پردازش تحلیلی موضوع

در این بخش به تحلیل گفتمان غربزدگی در رمان حریر غزاله، براساس رویکرد گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین پرداخته می‌شود:

۳-۱) سطح توصیف (واژگانی، نحوی، و ضمایی)

در این مرحله، متن از سه جنبه واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار کلی متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. نحوه به کارگیری واژگان، عناصر گرامری و انواع ضمائر موجود در متن به همراه شناسایی استعاره‌ها، از جمله مسائلی هستند که به آنها پرداخته می‌شود. براساس این نوع تحلیل، باید به بررسی روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) بین کلمات به لحاظ ایدئولوژیک پرداخت. سوالات مطرح شده در سطح توصیف عبارتند از: بیشتر جملات این اثر معلوم یا مجهول هستند؟ بیشتر جملات این اثر مثبت یا منفی هستند؟ کدام وجه جملات (اخباری، پرسشی یا امری) در متن استفاده شده است؟ کاربرد ضمائر در داستان چگونه است؟ چه نوع استعاره‌هایی در متن به کار رفته‌اند؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱-۱۷۰)

۳-۱-۱) واژگان

پیوستگی و انسجام واژگان در یک متن، معنا و مفهومی ویژه را بازنمایی می‌کند؛ به گونه‌ای که معنای هر واژه مفرد در پیوند با سایر اجزای متن در هم می‌آمیزد و حاصل آن تداعی تنها یک معناست، آن هم معنایی که از کلیت سخن برمی‌خیزد (جرجانی، ۱۹۹۷: ۸۷). در قسمت واژگان نوع روابط معنایی میان کلمات در سه حالت شمول معنایی، هم‌معنایی و تضاد معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«شمول معنایی در صورتی برقرار می‌شود که یک مفهوم با گستره‌ی معنایی وسیع‌تر، مفاهیم دیگر را دربر می‌گیرد» (صفوی، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۰). در داستان حریر غزاله، فضای مجازی به عنوان یکی از دستاوردهای مدرنیته، بستر تعامل شخصیت‌هایی مانند غزاله و خواننده ملکه می‌باشد. نویسندگان بهره‌گیری از کلماتی مانند: «مَه‌شَت، هِجران، عَذاب، آذی، کابوس و مُزعِج» (حارثی، ۲۰۲۱: ۳۱-۳۳)

شیوه مواجهه کنشگران با این ابزار ارتباطی را به چالش می‌کشد؛ به صورتی که این واژگان، افراد را در موقعیتی از درماندگی عاطفی بازنمایی می‌کند که اراده آنها تحت سیطره ابزارهای مجازی قرار دارد. این موضوع نشان می‌دهد که نویسنده نسبت به مدرنیته نقدی ندارد؛ چرا که مدرنیته صرفاً بستری خنثی است. نقد نویسنده متوجه گفتمان غربزدگی است که با تحمیل انزوا بر روابط انسانی، این روابط را به تجربه ناخوشایندی برای افراد تبدیل می‌کند. در واقع، گفتمان غربزدگی با نادیده گرفتن هویت افراد، بستر مدرن را به ابزاری برای آشفتگی و سردرگمی آنها تبدیل کرده است.

بخشی از داستان که در کشور تایلند روایت می‌شود، بیانگر نفوذ دیدگاه غرب نسبت به استفاده ابزاری از زنان در این کشور است؛ جایی که زنان به مهاجرانی از آمریکا و کشورهای عربی خدمات مختلفی ارائه می‌دهند و به ابزاری

برای کسب درآمد تبدیل شده‌اند. استفاده از کلماتی مانند: «فَتَيَات، مَكِيَّاجُ الصَّارِخ، تَقَاوُض، أَسْعَار و فَقْر» (همان: ۳۸) بیانگر این است که جایگاه زنان به یک کالای قابل مبادله سقوط پیدا کرده که در آن قدرت اراده آنها، جای خود را به مناسبات مادی سپرده است. این فرآیند، نشان‌دهنده غلبه گفتمان غرب‌زدگی است که با تحمیل استانداردهای ابزاری بر هویت انسانی، فقر را به بهانه‌ای برای کالا سازی زنان تبدیل می‌کند و با نابودی اصالت زنان، آنها را در مناسبات منفعت محور غربی بازتعریف می‌کند.

هم‌معنایی، حالتی است که در آن واژگان دارای مفهوم یکسان هستند. با این حال قابل توجه است که یافتن واژگانی با هم‌معنایی مطلق، کاری دشوار محسوب می‌شود؛ از این رو باید در پی واژگانی بود که شباهت معنایی نسبی یا تقریبی دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸). حریر، یکی از شخصیت‌های اصلی داستان پدر و مادری دارد که هر کدام در دنیایی که برای خودشان ساخته‌اند، زندگی می‌کنند و توجهی نسبت به خانواده خود ندارند؛ نویسنده با بهره‌گیری از کلماتی هم‌معنا مثل: «غَضَب و عَصِيَّة» (حارثی، ۲۰۲۱: ۷۳-۷۱) فضای پرتنش میان والدین حریر را به خوبی نشان می‌دهد. در واقع این کلمات، تصویری از زندگی افرادی است که غرق در زندگی شخصی هستند و جایگاه خانواده را فدای امیال شخصی خود کرده‌اند. این رفتارها، بازتابی از فردگرایی افراطی است که از پیامدهای گفتمان غرب‌زدگی می‌باشد. در واقع، وقتی فردگرایی از تعادل خود خارج شود و به ابزاری برای نفی پیوندهای عاطفی میان افراد تبدیل شود، در خدمت گفتمان غرب‌زدگی قرار می‌گیرد که هدف آن، بازتعریف انسان به عنوان موجودی خودمحور است.

غواصانی که در داستان به آنها اشاره شده است، افراد نیازمندی بودند که برای تسویه بدهی خود با ناخدا، باید برای او مروارید طبیعی از دریا صید می‌کردند و بیشتر آنها جان خود را در این راه از دست می‌دادند. نویسنده با بیان کلماتی مانند: «عَرَق و إِلْتِهَام» (همان: ۸۶) خشونت نهفته در این معاملات را نشان می‌دهد و غواصان را به عنوان قربانیانی بازنمایی می‌کند که جانشان در برابر مرواریدهایی که صید می‌کردند، ناچیز شمرده می‌شود. این نابرابری قدرت، با اینکه در بستر فعالیت اقتصادی بومی است، در اصل پذیرش منطق سودمحور وارداتی است که با گفتمان غرب‌زدگی پیوند می‌خورد و براساس آن، جان افراد در خدمت سرمایه قرار می‌گیرد و ارزش‌های اخلاقی در تقابل با این تفکر، کارایی خود را از دست می‌دهند.

تضاد معنایی «همان ناسازگاری معنایی است. معنای یک کلمه با کلمه دیگر ناسازگار است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸). فیل به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان، با آنکه متاهل است و دو فرزند دارد، به دنبال رابطه‌ای دوستانه با غزاله است؛ اما در این مسیر به دلیل تعهدی که نسبت به همسرش دارد نمی‌تواند به او خیانت کند و از سویی نمی‌خواهد غزاله را نیز از دست بدهد. حارثی با به کارگیری کلمات «أَصْفَاد و قُيُود» در مقابل کلمه «حُرّاً» (حارثی، ۲۰۲۱: ۱۴۰). نشان می‌دهد که فیل چگونه میان تعهدات خانوادگی و میل به آزادی بی‌قید و شرط سرگردان است. توصیف خانواده و تعهدات آن به عنوان زنجیر، بیانگر غلبه ایده آزادی بی‌مسئولیت است که ناشی از گفتمان غرب‌زدگی است.

می‌توان گفت سردرگمی فیل، تنها یک مشکل شخصی نیست، بلکه بازتابی از نگاه غرب‌زده‌ای است که با سست کردن پیوندهای عاطفی، فرد را دچار آشفتگی می‌کند. فرهنگ فردگرایی غرب باعث می‌شود که اعضای خانواده، تنها به رفع نیازهای خود توجه کنند و به مسئولیتی که در خانواده بر عهده آنها است، اهمیتی ندهند. نوازنده؛ همسر غزاله، شخصی است که در اروپا تحصیل کرده است و به نوعی یکی از نمایندگان تفکر غربی در این داستان است. او پس از

ازدواج و صاحب فرزند شدن، به دلیل عدم تمایل به مسئولیت پذیری و تعهد نسبت به خانواده، فرزندان را با همسرش تنها می‌گذارد و به دنبال رویاهای خود می‌رود. حارثی با استفاده از تضاد معنایی بین جملات در تلاش است عدم مسئولیت پذیری نوازنده نسبت به خانواده‌اش را نشان دهد: «إِنَّهُ الْعَازِفُ الْمُنْفَرِدُ فِي حَيَاتِهِ، وَإِنْ كَانَ الْمُتَوَحِّدَ مَعَ فِرْقَتِهِ فِي عَمَلِهِ. إِنَّهُ الرِّيحُ لَا الْجُذُورُ» [او در زندگی شخصی‌اش تکنواز بود اگر چه با گروهش هم‌نوازی می‌کرد. او باد بود نه ریشه] (همان: ۸۰).

۳-۱-۲) نوع افعال و جملات و کاربرد ضمائر

رمان از دو زاویه دید درونی و بیرونی و به شیوه‌ی دانای کل روایت می‌شود. نویسنده در بیشتر داستان، به خصوص در موارد مربوط به غزاله و ملیحه از زاویه سوم شخص بهره جسته است و تنها در قسمت‌هایی که مربوط به زندگی حریر است، از شیوه‌ی اول شخص استفاده می‌کند. با توجه به اینکه جملات خبری وجه غالب جملات در داستان هستند، حارثی از این قالب زبانی برای بازنمایی دیدگاه شخصیت‌ها درباره موضوعات مختلف بهره می‌گیرد. برای مثال در جمله: «قَالَ إِنَّ الْحُرِّيَّةَ أَهْمُ مِنَ الْآبَوَةِ نَفْسُهَا» [گفت آزادی از پدر بودن مهم‌تر است] (حارثی، ۲۰۲۱: ۳۰).

دیدگاه منفی شخصیت خواننده ملکه، نسبت به مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده بیان شده است. این نگاه در واقع بازتابی از گفتمان غرب‌زدگی است که آزادی را به عنوان فردگرایی مطلق تعبیر می‌کند و تعهدات خانوادگی افراد را به عنوان مانعی در راه آزادی آنها معرفی می‌کند. به کارگیری ساختارهای وجه اخباری، دال بر درجه بالایی از قطعیت محتوا و موضع اقتدار روایت‌گر است (درپر، ۱۳۹۲: ۸۱). حارثی از شیوه‌ی گفت‌وگو نیز در داستان بهره می‌گیرد. او با استفاده از این شیوه، تعارض درونی شخصیت‌هایی مانند غزاله را به تصویر می‌کشد: «أَرِيدُ أَنْ أَكُونَ لَهُ وَيَكُونَ لِي - هَذَا جُنُونٌ يَا غَزَالَةَ، إِنَّهُ مُتَزَوِّجٌ» [می‌خوام مال اون باشم اونم مال من باشه - این دیوانگیه غزاله اون متاهله] (حارثی، ۲۰۲۱: ۱۵۴). غزاله با اینکه می‌داند فیل مرد متاهلی است و ابراز احساساتش صرفاً برای سوء استفاده از او است، نمی‌تواند به او وابسته نباشد و همچنان او را دوست دارد. او آگاهانه استقلال خود را نادیده می‌گیرد و خودش را در جایگاه کالایی در اختیار دیگران قرار می‌دهد. این دیدگاه که در آن زن صرفاً برای تملک دیگران تعریف می‌شود، برگرفته از گفتمان غرب‌زدگی است که جایگاه زن را به عنوان کالا تلقی می‌کند و او را به مثابه ابزاری برای لذت مردان در نظر می‌گیرد.

جملات پرسشی بیشترین بسامد را پس از جملات خبری در داستان دارند. استفاده از جملات پرسشی و استفهام انکاری، راهکار زبانی برای اعمال سلطه است. برای نمونه عبارت: «حِينَ طَلَبْتَ مِنْهُ أَنْ يُرْسَلَ إِلَيْهَا كُلُّ صَوْرَةٍ سَخِرَ مِنَ الْفِكْرَةِ: نَحْنُ بِنَتَزَوِّجُ عَيْنِي؟» [زمانی که از او خواست تمام عکس‌هایش را برایش ارسال کند، این فکر به نظرش مسخره آمد: عزیزم مگه می‌خوایم با هم ازدواج کنیم؟] (همان: ۵۲) بیانگر این است که خواننده ملکه با نفی هرگونه تعهد در رابطه مجازی با غزاله، او را مانند کالایی برای لذت‌جویی در نظر می‌گیرد. این رابطه قدرت نابرابر، براساس تفکر عدم تعهد در روابط شکل گرفته است که جلوه آشکاری از گفتمان غرب‌زدگی است. گفتمانی که در آن، ابزارهای مدرن در خدمت کالانگاری انسان‌ها قرار می‌گیرند.

ردیف	نوع جملات	تعداد	درصد
۱	خبری	۱۰۳۵	۷۸٫۸٪

۲	پرسشی	۲۱۸	۱۶,۶٪
۳	امری	۶۰	۴,۶٪

در داستان حریر غزاله، افعال مثبت کاربرد بیشتری نسبت به افعال منفی دارند. حارثی با به کارگیری گسترده افعال مثبت در توصیف سبک زندگی شخصیت‌ها، سعی در نشان دادن تصویری دقیق از روابط موقت دارد. در جمله: «قَالَ إِنَّهُ عَازِبٌ أَبَدِيٌّ، يُحِبُّ نِسَاءَ اللِّوَاتِي لَا يَطْلُبْنَ غَيْرَ الْغِنَاءِ وَالدَّلَالِ» [می‌گفت او مرد مجرد ابدی است و عاشق زنانی است که فقط نوازش و آواز می‌خواهند] (همان: ۳۰) نویسنده با بهره‌گیری از افعال مثبت، خواننده ملکه را فردی معرفی می‌کند که زنان را ابزاری برای تامین نیازهای عاطفی و حسی سرکوب‌شده خود می‌داند. دیدگاه او، بازتاب‌دهنده تفکر فردگرایی مطلق است که بر اساس آن، روابط برپایه منفعت افراد شکل می‌گیرند. این تفکر، برگرفته از گفتمان غرب‌زدگی است که تعهد میان افراد را در روابط طرد می‌کند.

ردیف	نوع جمله	تعداد	درصد
۱	مثبت	۲۲۰	۱۶,۷٪
۲	منفی	۱۸۵	۱۴,۱٪
۳	خنثی	۹۰۸	۶۹,۲٪

از نظر معلوم یا مجهول بودن افعال نیز غالب افعال داستان، فعل معلوم هستند. «سخنران با استفاده از جملات معلوم، اعمال را به انجام‌دهنده مستقیم آن نسبت می‌دهد» (عکاشه، ۲۰۰۵: ۶۵). از انواع کاربرد افعال معلوم در داستان، می‌توان به بیان رویکرد منفعت‌محور شخصیت‌ها در قبال خانواده اشاره کرد. در جمله: «حَتَّى وَجَدَهُ ذَاتَ يَوْمٍ مَعَهَا فِعْلًا فِي الْفِرَاشِ» [تا روزی که واقعا مرد زن را کنار مربی تیسش در اتاق دید] (حارثی، ۲۰۲۱: ۶۲) نویسنده با بهره‌گیری از افعال معلوم، همسر خواننده ملکه را در جایگاه شخصی قرار می‌دهد که برای رسیدن به منافع شخصی، به تعهدات خود در قبال خانواده پایبند نیست. این نگاه، مبتنی بر تفکر اصالت‌میل شخصی است که امیال افراد را بر ساختار خانواده و تعهدات درون آن تقدم می‌بخشد؛ رویکردی که محصول گفتمان غرب‌زدگی است که روابط میان افراد را به شکلی سودجویانه بازتعریف می‌کند.

ردیف	نوع فعل	تعداد	درصد
۱	معلوم	۱۱۱۰	۸۴,۵٪
۲	مجهول	۲۲۳	۱۵,۵٪

در داستان حریر غزاله، ضمایر متصل کاربرد بسیار زیادی دارند و از ضمایر منفصل جز در موارد معدودی استفاده نشده است. در عبارت: «جَارَتُنَا عَائِشَةُ تَوَجَّسَتْ وَ هَمَّسَتْ لِي أَنَّ زَوْجَهَا عَامِلُهَا بِرُودٍ بَعْدَ إِسْتِئْصَالِ الثَّدْيِ، إِلَى أَنْ أَنْتَهَى إِلَى طَلَاقِهَا وَ طَرَدَهَا مِنْ بَيْتِهَا الْفَخْمِ فِي أَبُو ظَبْيٍ إِلَى شَقَّةٍ صَغِيرَةٍ» [همسایه‌مان عایشه نفوس بد زده بود. تعریف کرده بود بعد از برداشتن سینه‌اش شوهرش با او خیلی سرد برخورد کرده، آخرش هم طلاقش داده و از خانه بزرگش در

ابوظبی بیرونش کرده و حالا در آپارتمان کوچکی ساکن است (همان: ۴۱-۴۰) حارثی با استفاده از ضمیر متصل سوم شخص، عایشه را که یکی از شخصیت‌های داستان است، در جایگاه انسانی منفعل قرار می‌دهد. وضعیت عایشه، به رابطه او و همسرش باز می‌گردد. همسر عایشه فردی مصرف‌گرا است که محبت او، صرفاً در توجه به زیبایی اندام عایشه خلاصه می‌شود و با از بین رفتن این زیبایی، او را از خانه اخراج می‌کند. رفتار همسر عایشه، بیانگر غلبه تفکر کالا سازی زنان است که با در نظر گرفتن جایگاه زن به عنوان ابزار لذت مادی، پیوند میان افراد خانواده را سست می‌سازد. این تفکر، باز نمود گفتمان غرب زدگی است که براساس آن، ارزش‌های انسانی تحت تاثیر الگوهای مصرف‌گرایانه غربی بازتعریف می‌شوند.

ردیف	نوع ضمیر	تعداد	درصد
۱	متصل	۸۴۵	۷۰,۱٪
۲	منفصل	۳۶۰	۲۹,۹٪

۳-۱-۳ بیان استعاره

استعاره‌ها در روابط غزاله با نوازنده و فیل اثر مشهودی دارند. حارثی در توصیف شخصیت نوازنده از جمله: «إِنَّهُ الرِّيحُ لَا الْجُدُورُ» [او باد بود نه ریشه] (حارثی، ۲۰۲۱: ۸۰) استفاده می‌کند. واژه ریح استعاره از ناپایداری نوازنده و عدم تعهد او نسبت به خانواده است که در نگاه او، غلبه میل شخصی بر ثبات خانواده مشروعت می‌یابد. دیدگاه نوازنده، محصول تفکر فردگرایی مطلق است که جایگزین پیوندهای سنتی در خانواده شده است. این تفکر، در نتیجه گفتمان غرب زدگی شکل گرفته است که تعهد درون خانواده را مردود می‌شمارد (گاردنر، ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۲).

۳-۲ سطح تفسیر

در این سطح، بافت بینامتنی موثر در شکل‌گیری متن و نیز پیش‌زمینه‌ای که در بافت موقعیتی آن وجود دارد، بررسی می‌شود و موضوع پرسش‌هایی قرار می‌گیرد که برای روشن شدن ماجرا و شناسایی افراد درگیر در ماجرا مطرح می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

۳-۲-۱ بافت موقعیتی

هدف از بافت موقعیتی، بررسی ارتباط متن با حوادث تاریخی، تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور است. «با چند پرسش می‌توان به تفسیر بافت موقعیتی پرداخت. ماجرا چیست؟ یعنی در متن چه فعالیتی در حال انجام است؟ عنوان و هدف این فعالیت چیست؟ جان‌مایه متن چیست؟ جان‌مایه متن یعنی خلاصه تفسیر آن به عنوان یک کل واحد که مفسر می‌تواند بدان دست یابد و در حافظه بلندمدت خود آن را نگه دارد تا در صورت نیاز به آن مراجعه کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۹).

داستان حریر غزاله، اوضاع اجتماعی مردم عمان را از دهه ۱۹۷۰ به بعد روایت می‌کند. زمانی که مدرنیته از غرب وارد جامعه عمان شده و تقابل آن با سنت، به عنوان تفکر اصیل عمانی چالش‌های متفاوتی را در طول داستان رقم می‌زند. در این بین زنان به دلیل محدودیت بیشتری که نسبت به مردان دارند، آسیب‌پذیری زیادی را در نتیجه این تقابل، تجربه می‌کنند. در اوایل داستان، به دلیل اینکه مدرنیته هنوز در جامعه‌ی عمان جا نیفتاده، نوعی جبهه‌گیری از سوی مردم نسبت

به آن مشاهده می شود. برای مثال بچه‌ها نسبت به مدرسه تازه تا سیس در روستای واحه حس خوبی ندارند و احساس می کنند که مدرسه باعث محدودیت آنها است: «لَكِنَّ كَارِثَةَ الْمَدْرَسَةِ شَغَلَتِ الْبَنَاتِ عَنْ عُمَالِ الطَّرِيقِ وَاللَّوْحَةِ الْجَدِيدَةِ، فَبَدَلًا مِنَ الرَّكْضِ خَلْفَ سَعْدَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ لَجَمَعَ الْأَعْشَابِ وَالتَّدْحُرُجِ مِنَ التَّلَالِ الْقَصِيرَةِ ... أَصْبَحْنَا فَجَاءَ فِي صَفِّ صَبِيٍّ فِي مَبْنَى أَصْفَرٍ عَلَى طَرَفِ الْقَرْيَةِ» [دست و پنجه نرم کردن دخترها با بلایی که بر سرشان نازل شده بود یا همان مدرسه رفتن فرصتی برایشان نمی گذاشت که به تابلوی جدید یا کارگرهایی که برای کار کردن در جاده آمده بودند توجه کنند. به جای آنکه دنبال سعده میان تپه و کوه‌ها راه بیفتند ... به خودشان آمدند و دیدند در صف دخترهایی هستند که در ساختمان زردرنگ گوشه روستا پشت سرهم ایستاده و به هم چسبیده‌اند] (حارثی، ۲۰۲۱: ۱۲).

البته رفته رفته تمایل به مدرنیته و ارزش‌های وابسته به غرب در بین مردم عمان افزایش می یابد؛ به نحوی که در موارد زیادی شاهد غرب‌زدگی و اطاعت محض از ارزش‌های غرب در روابط میان شخصیت‌های داستان هستیم. برای مثال، خواننده ملکه به دلیل اینکه مدت زیادی در اروپا زندگی کرده است، نگاهی تقلیدی نسبت به بسیاری ارزش‌های غربی دارد. او نسبت به نقش خود به عنوان پدر خانواده بی تفاوت است؛ همان گونه که فرهنگ غرب، تعهد اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را نادیده می گیرد: «لَنْ يَزَرَ عَ الْعَازِفُ شَيْئًا لَهُ جُذُورٌ، لَنْ يَدُقَّ مِسَارًا وَاحِدًا فِي جِدَارِ الشَّقَةِ لِيُعَلِّقَ التَّذَكَرَاتِ، لَنْ يُقَرَّرَ إِلَى أَى حَضَانَةٍ سَيَذْهَبُ التَّوَامُ وَلَا أَيْنَ سَيَنْزِلُ فِي الْإِجَارَةِ» [نوازنده هیچ وقت چیزی که ریشه بدواند در خانه نکاشت، میخی به دیوار آپارتمان نکوبید که عکسی یادگاری به آن بیاویزد. هیچ وقت درباره اینکه بچه‌ها به کدام مهد کودک بروند یا تعطیلاتشان را کجا بگذرانند، فکر نکرد و تصمیمی نگرفت] (همان: ۷۹).

رابطه مجازی از دیگر انواع روابطی است که از غرب به دیگر کشورها صادر شده است. در این رابطه، با وجود اینکه ارتباط بین طرفین به سادگی صورت می پذیرد، اما به دلیل اینکه نمی توان عادات و احساسات طرف مقابل را به خوبی درک کرد، ممکن است به تردید و کلافگی دو طرف منجر شود. غزاله پس از جدایی از نوازنده، به صورت مجازی با فردی به نام خواننده ملکه در ارتباط است. رابطه میان آنها، با وجود اینکه در ابتدا با شور و شفع زیادی همراه است، در نهایت تبدیل به رابطه‌ای ملال آور و خسته کننده می شود: «كَانَا قَدْ قَالَا كُلُّ شَيْءٍ وَ عِنْدَمَا بَدَأَتْ الْحِكَايَاتُ تَتَكَرَّرُ وَالنُّكَاتُ تُعَادُ، دَخَلَ الصُّجْرُ» [همه چیز را به یکدیگر گفته بودند و وقتی قصه‌ها تکراری و لطیفه‌ها بازگو شد، ملال و بی حوصلگی روی رابطه‌شان سایه انداخت] (همان: ۷۷). به طور کلی می توان گفت حارثی با بهره گیری از نگاه سنتی عمان که قائل به محدودیت زنان است و مدرنیته که دیدگاهی ابزاری نسبت به زن دارد، سعی دارد وضعیت آشفته و سردرگم زنان عمانی را در انتخاب هویت اصلی خود از دهه ۱۹۷۰ به بعد روایت کند.

چه کسانی در گیر ماجرای حریر غزاله هستند؟ این پرسش نیز در بافت موقعیتی مطرح می شود. شخصیت‌های اصلی داستان به دو دسته مرد و زن تقسیم می شوند. در قسمت زنان، آسیه، غزاله، ملیحه و حریر و در قسمت مردان نیز، نوازنده، خواننده ملکه و فیل از شرکت کنندگان اصلی داستان هستند. البته رمان شخصیت‌های فرعی دیگری نیز دارد که نقش تعیین کننده‌ای در طول داستان ندارند. به لحاظ جایگاه موقعیتی، مردان نسبت به زنان در موضع بالاتری قرار دارند. نوازنده به عنوان یک مرد، نسبت به همسرش غزاله توجه خاصی ندارد و حتی حاضر نیست مسئولیت کوچک ترین کارها را نیز به عهده بگیرد. در مقابل، غزاله از هیچ کاری برای به دست آوردن رضایت او دریغ نمی کند و همیشه سعی دارد نوازنده را از خود راضی نگه دارد: «رَغِبْتُ غَزَالَهَ فِي أَنْ تَأْخُذَ بِيَدِهِ وَ تَقُودَهُ إِلَى الْبَيْتِ، وَلَكِنَّ الْبَيْتَ بَدَا بَعِيدًا جِدًّا، كَانَ

العازِفُ مُغْمَضُ الْعَيْنَيْنِ عَلَى نَعْمَتِهِ يَدُو فِي بَيْتِهِ الْحَقِيقِيِّ، بَيْتِ الْمَوْسِقِيِّ، لَا بَيْتَ غَزَالَةٍ وَ الْأَوْلَادِ [غزاله دلش خواسته بود دست مرد را بگیرد و با خود به خانه ببردش، اما خانه دور به نظر می‌رسید، خیلی دور. نوازنده‌ی چشم بسته انگار در خانه‌ی واقعی خودش حضور داشت: خانه‌ی موسیقی، نه خانه‌ی غزاله و بچه‌ها] (همان: ۷۹).

در رابطه غزاله و فیل نیز با وجود تلاش غزاله برای نزدیک کردن فیل به خود؛ او به دلیل وابستگی به همسرش، نسبت به غزاله با نوعی بی‌تفاوتی برخورد می‌کند: «رَأَتْ أَنَانِيَّتَهَا تُخْلَعُ عَلَى عَتَبَةِ بَابِهِ، وَأَرَادَتْ أَنْ يُعِيدَهَا إِلَيْهَا. أَنْ يُلْمَحَ أَنَّهَا تَسْتَحِقُّ هَذِهِ الْأَنَانِيَّةَ، وَ لَوْ لِبَعْضِ الْوَقْتِ وَ لَا تَسْتَحِقُّ هَذَا الْأَلَمَ» [عزت نفس خودش را دید که بر درگاه خانه‌ی مرد از او سلب شده. دلش خواست مرد عزت نفسش را به او بازگرداند. دلش می‌خواست مرد دست کم به این موضوع اشاره کند که این خودخواهی حق اوست، حداقل بعضی وقت‌ها و مستحق این همه درد و رنج نیست] (همان: ۱۲۱).

۳-۲-۲) بافت بینامتنی

بینامتنیت به این معناست که یک متن با متون دیگر و حوادث تاریخی پیش از خود مرتبط باشد. «بینامتنیت به رابطه‌ی متون مختلف به لحاظ شکل و مضمون اشاره می‌کند. در واقع بینامتنیت بیانگر تاریخ‌مندی متون است. هیچ متنی را نمی‌توان به تنهایی و بدون اتکا به متون دیگر فهمید. یک متن را می‌توان حلقه‌ای در یک زنجیره بینامتنی دانست؛ یعنی مجموعه‌ای از متون که در آن هر متن عناصری از متن یا متون دیگر را در خود تعبیر می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

رمان حریر غزاله با آثار دیگر جوخه حارثی از جمله داستان سیدات قمر، پیوند بینامتنی عمیقی دارد. این پیوند، نه صرفاً در شباهت رفتاری میان شخصیت‌ها، بلکه در بازتولید نتایج گفتمان غرب‌زدگی است که فقدان تعهد در خانواده نمونه‌ای از آن است. برای نمونه نوازنده در رمان حریر غزاله و ناصر در رمان سیدات قمر، تحت تاثیر گفتمان غرب‌زدگی، ارزشی نسبت به تعهدات خود در قبال خانواده شان قائل نیستند. نوازنده که سالها در اروپا زندگی کرده است، به دلیل گرایش افراطی نسبت به اندیشه‌های غربی، تعهداتی که نسبت به خانواده خود دارد را نادیده می‌گیرد و به جای ایفای نقش اصلی در زندگی، به دنبال سفرهای همراه با گروه موسیقی است: «بِمُرُورِ الْوَقْتِ تَمَّ بِدَاخِلِهَا الْإِحْسَاسُ أَنَّهُ لَمْ يَوْجَدْ فِي دُنْيَاهَا حَقًّا، لَقَدْ مَرَّ عَلَيْهَا كَجَنَاحِ طَائِرٍ، لَأَمَسَ رِيشُهُ خَدَّهَا، أَعْطَاهَا الطِّفْلَيْنِ بِخَفَّةٍ، نَقَرَ بِمِنْقَارِهِ خَشَبَ حَيَاتِهَا، لَا لِصِنْعِ عُشَا، أَوْ لِيَتَرَكَ أَثْرًا، وَ إِنَّا لُجَرْدُ الدُّعَابَةِ» [به مرور زمان، کم‌کم این احساس به او دست داد که نوازنده هیچ‌وقت واقعاً در زندگی‌اش نبوده. مثل پرنده‌ای از روی او رد شده بود، پرنده‌ای که پر و بالش گونه غزاله را لمس کرده بود و آرام و بی‌صدا دو کودک به او بخشیده بود. با منقارش بر چوب زندگی غزاله نوک زده بود، نه برای اینکه لانه بسازد یا اثری از خود باقی بگذارد، انگار فقط با غزاله شوخی کرده باشد] (حارثی، ۲۰۲۱: ۳۲).

ناصر نیز که در کانادا ساکن است، با نگاهی فردمحور که تاثیرپذیر از گفتمان غرب‌زدگی است، انجام تعهدات در قبال خانواده خود را به حداقل رسانده است و در فضای روابط دوستانه با زنان دیگر قرار دارد: «رَأَتْ حَيَاتَهَا الْمُعَذَّبَةَ مِثَالًا عَلَى الْحُبِّ الْعَظِيمِ الْمُتَفَانِي الَّذِي لَا يَكْسِرُهُ أَىُّ شَيْءٍ، حَتَّى قَسُوهُ حَبِيبِ الَّذِي مَا إِنْ يَأْتِي إِلَى عُثْمَانَ حَتَّى يَسْتَعْرِقُ فِي مُكَالِمَاتِ الْهَاتِفِ الطَّوِيلَةِ، الَّذِي يُعَلِّقُ صُورَةَ صَدِيقَتِهِ الْكِنْدِيَّةِ فِي عِلَاقَةِ مَفَاتِيحِ سَيَّارَتِهِ، الَّذِي يُحْضِرُ لِأَوْلَادِهِ مَلَابِسَ فَاخِرَةً مِنْ كَنْدَا وَ لَكِنَّهَا دَائِمًا أَصْغَرُ مِنْ مَقَاسِهِمْ» [او زندگی پر از رنج خود را نمونه‌ای از آن عشق بزرگ و فداکارانه می‌دید که هیچ چیز حتی سنگدلی معشوق نیز نمی‌توانست آن را بشکند؛ معشوقی که پس از رسیدن به عمان، غرق در مکالمه‌های تلفنی

طولانی می‌شد، عکس دوست دختر کانادایی‌اش را به دسته کلید ماشینش می‌آویخت و برای فرزندانش از کانادا لباس‌های گران‌قیمت تهیه می‌کرد؛ هرچند آن لباس‌ها همیشه برای بچه‌ها کوچک بود] (حارثی، ۲۰۱۰: ۱۸۵). در واقع حارثی با بهره‌گیری از این موارد مشترک، پیوستگی گفتمانی آثار خود را در جهت نقد بحران هویت و عدم مسئولیت‌پذیری در جوامع غرب‌زده، حفظ می‌کند.

۳-۳) سطح تبیین

تبیین، «سطحی است که به ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد» (Fairclough, ۱۹۹۶: ۲۷-۲۶). هدف از تبیین، توصیف گفتمان در قالب بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. فرکلاف در تبیین، گفتمان را نه به عنوان پدیده‌ای مستقل، بلکه به عنوان جزئی از ساختارهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه این ساختارها گفتمان را جهت می‌بخشند. در عین حال تبیین نشان می‌دهد که گفتمان، تنها متأثر از ساختارهای اجتماعی نیست؛ بلکه خود نیز از طریق تأثیرات بازتولیدی می‌تواند بر همان ساختارها اثر بگذارد و در نتیجه، زمینه‌ی حفظ یا تغییر آن ساختارها را فراهم کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

در سطح تبیین، داستان حریر غزاله تنها یک بازنمایی ساده از زندگی مردم عمان نیست؛ بلکه تجلی تقابل میان زندگی سنتی و مدرنیته غربی است که تمایل افراطی نسبت به مدرنیته در بسیاری از موارد از جمله روابط اجتماعی میان افراد، به غرب‌زدگی منجر می‌شود. حارثی از طریق این موضوع سعی دارد نشان دهد که گفتمان غرب‌زدگی، چگونه می‌تواند پیوندهای اجتماعی را دگرگون سازد. براساس روایت حریر غزاله، غرب‌زدگی در جامعه عمان را می‌توان نتیجه سه مرحله دانست:

۱- در مرحله نخست، نوعی جبهه‌گیری از سوی مردم نسبت به مدرنیته در ابتدای ورود آن به جامعه عمان وجود داشت که ناشی از غلبه رویکرد سنتی در بین مردم است. برای مثال، نگاه تحقیرآمیز ملیحه نسبت به تبلیغات تلویزیونی که سبک جدیدی از زندگی را نمایش می‌دهند، تنها یک واکنش شخصی نیست؛ بلکه بازتاب‌دهنده تلاش گفتمان سنتی برای حفظ ارزش‌های بومی، در برابر بازنمایی‌های جدیدی از سبک زندگی است که از طریق رسانه‌ها به جامعه تحمیل می‌شود: «إِسْتَهْجَنْتِ الْإِعْلَانَاتِ الْإِشْهَارِيَّةَ؛ دَعَايَاتِ التَّسْعِينِيَّاتِ الَّتِي تُعَلِّمُ النَّاسَ مَاذَا يَأْكُلُونَ وَ مَاذَا يَشْرَبُونَ وَ كَيْفَ يَلْبَسُونَ» [به نظرش آگهی‌های بازرگانی مستهجن بودند. آگهی‌هایی که سال‌های دهه نود پخش می‌شدند و به مردم یاد می‌دادند، چه بخورند، چه بنوشند و چه مدل لباس بپوشند] (حارثی، ۲۰۲۱: ۱۴).

۲- در مرحله دوم، به دلیل محدودیت‌های سخت‌گیرانه سنت، رویکرد جامعه به سمت پذیرش مدرنیته به علت آزادی‌های متصور از آن تغییر کرد. این مسئله در شخصیتی مانند خواننده ملکه در داستان دیده می‌شود که مهاجرت او به اروپا، فقط یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست؛ بلکه ابزاری برای رهایی از سلطه ساختارهای سنتی (خانواده اقتدارگرا) است. خشونت پدر او در خانواده به عنوان عاملی محرک، نشان می‌دهد که فشار ساختارهای سنتی، چگونه می‌تواند منجر به تنفر فرد از هویت اصلی خود و پناه بردن به ارزش‌های فردگرایانه شود: «عَاشَ مُغْنَى الْمَلَكَةِ صَبَاهُ فِي الْبَصْرَةِ لَا يَحْلِمُ إِلَّا بِالْإِفْلَاتِ مِنْ جِلْدِ الْحِزَامِ الَّذِي يُهْوَى عَلَى ظَهْرِهِ أَكْثَرُ مِمَّا يَطُوقُ خَصْرَ- أَبِيهِ الضَّابِطُ فِي جَيْشِ الْبَعِثِ» [خواننده ملکه، دوره کودکی و نوجوانی‌اش را در بصره گذرانده بود. تنها آرزویش این بود که از زیر ضربات کمربند پدر بعثی‌اش، که بیشتر از اینکه روی کمر لباس‌های ارتشی‌اش بنشیند روی کمر پسرش می‌نشست، رهایی یابد] (همان: ۷۷).

۳- نهایتاً پذیرش ارزش‌های فردگرایانه و رویکرد افراطی نسبت به آنها، به غرب‌زدگی در سطح روابط فردی در جامعه عمان منجر شد. شخصیت نوازنده، نماد بارز این موضوع در داستان است. او با اصرار بر آزادی‌های فردی، تعهد خود و نقشی که در خانواده به عنوان یک پدر دارد، نادیده می‌گیرد. بی‌تفاوتی او در قبال مسئولیت‌هایی که به عهده دارد، صرفاً یک ویژگی شخصیتی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده غلبه گفتمان غرب‌زدگی در جامعه است که در آن، حقوق فردی بر وظایف اجتماعی مقدم شمرده می‌شود و پافشاری بر آن حقوق، پیوندهای سنتی خانواده را تضعیف می‌کند و موجب فروپاشی مهم‌ترین نهاد اجتماعی می‌شود: «لَنْ يَزَرَ الْعَازِفُ شَيْئًا لَهُ جُذُورٌ، لَنْ يَدُقَّ مِسَارًا وَاحِدًا فِي جِدَارِ الشَّقَّةِ لِيُعَلِّقَ التَّذْكَارَاتِ، لَنْ يُقَرَّرَ إِلَى أَى حِضَانَةٍ سَيَذْهَبُ التَّوَامُ وَلَا أَيْنَ سَيَنْزَهُانِ فِي الْإِجَارَةِ. إِنَّهُ الْعَازِفُ الْمُنْفَرِدُ فِي حَيَاتِهِ، وَ إِنْ كَانَ الْمُتَوَحِّدَ مَعَ فِرْقَتِهِ فِي عَمَلِهِ، إِنَّهُ الرِّيحُ لَا الْجُذُورَ، الرِّيحُ الَّتِي اقْتَلَعَتْهَا مِنْ بَيْتِ عَائِلَتِهَا فِي الْخُوَيْرِ، الرِّيحُ الَّتِي أَخَذَتْهَا إِلَى مَكْتَبِ الْقَاضِي فِي الْمَحْكَمَةِ لِيَتَزَوَّجَ بِدُونِ عِلْمِ أَهْلِهَا، الرِّيحُ الَّتِي خَرَجَتْ مِنْ نَافِذَةِ شَقَّةِ الزَّوْجِيَّةِ بَعْدَ خَمْسِ سَنَوَاتٍ مِنَ الدَّوْرَانِ» [نوازنده هیچ‌وقت چیزی که ریشه بدواند در خانه نکاشت، میخی به دیوار آپارتمان نکوید که عکسی یادگاری به آن بیاویزند. هیچ‌وقت درباره اینکه بچه‌ها به کدام مهد کودک یا تعطیلاتشان را کجا بگذرانند فکر نکرد و تصمیمی نگرفت. او در زندگی شخصی‌اش تکنواز بود، هرچند با گروهش هم‌نوازی می‌کرد. او باد بود نه ریشه. بادی که غزاله را از خانه پدری در الخویر با خود برده بود، بادی که غزاله را به دادگاه برده بود تا بدون اجازه خانواده با او ازدواج کند، بادی که بعد از پنج سال چرخیدن دور خود از پنجره آپارتمان‌شان گریخته بود] (همان: ۷۹-۸۰).

۴) نتیجه‌گیری

براساس رویکرد فرکلاف و در سطح توصیف، نوع روابط معنایی میان کلمات در سه قسمت شمول معنایی، هم‌معنایی و تضاد معنایی مورد بحث قرار گرفت و مشخص شد که روابطی مانند روابط دوستانه، رابطه مجازی و رابطه‌ی بدون تعهد که همگی مبنایی غربی دارند چگونه موجب سوء تفاهات مختلف و از دست رفتن اعتماد و آسیب‌پذیری شدید روانی می‌شوند. علاوه بر اینها نویسنده سعی کرده است با به‌کارگیری جملات خبری، استفهامی و افعال مثبت و معلوم نشان دهد فرهنگ غرب که عدم تعهد اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را اشاعه می‌دهد، چگونه نهایتاً باعث فروپاشی خانواده‌ها و سردرگمی اعضای آن می‌شود. بیان استعاری نیز نمایانگر طرد شدن خانواده توسط غرب، به سبب مانعی در راستای رسیدن به اهداف و خواسته‌ها است. در سطح تفسیر نیز داستان بر اساس بافت‌های موقعیتی و بینامتنی مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در بافت موقعیتی مشاهده می‌کنیم مردم به سبب انتخاب مدرنیته و گرایش بیش از حد به آن، دچار نوعی تقلید نسبت به ارزش‌های غربی می‌شوند و این ارزش‌ها در زندگی و روابط شخصی آنها نمود زیادی پیدا می‌کند. از جمله در روابط مجازی که ارزش‌های غرب بر آنها حاکم است و این رابطه، بدون شناخت دقیق، به ناامیدی و افسردگی افراد منجر می‌شود. بافت بینامتنی نیز بیانگر آن است که نقد غرب‌زدگی و پیامدهای آن از جمله نادیده گرفتن تعهدات در روابط اجتماعی، وجه مشترک رمان حریر غزاله با دیگر اثر جوخه حارثی، یعنی رمان سیدات قمر است؛ به گونه‌ای که شخصیت‌های هر دو داستان به تعهدات و مسئولیت‌هایی که در قبال خانواده خود بر عهده دارند، کمترین اهمیتی نمی‌دهند. سطح تبیین نیز نشان می‌دهد که پیدایش گفتمان غرب‌زدگی در جامعه عمان، یک فرآیند اجتماعی است و نتیجه‌ی سه مرحله است: در مرحله نخست و در ابتدای ورود مفهوم مدرنیته از غرب به جامعه عمان، به دلیل غلبه رویکرد سنتی، مردم تمایلی نسبت به مدرنیته نشان نمی‌دهند. در مرحله دوم به دلیل محدودیت‌های شدید سنت،

جامعه برای به‌دست آوردن آزادی‌های فردی، تمایل به پذیرش مدرنیته دارد و در مرحله سوم، رویکرد افراطی نسبت به ارزش‌های فردگرایانه حاصل از مدرنیسم، پیدایش گفتمان غرب‌زدگی در جامعه عمان را به دنبال دارد. جوخه حارثی از زبان، به عنوان ابزاری جهت نقد گفتمان غرب‌زدگی استفاده می‌کند. او با بهره‌گیری از قدرت زبان، سعی دارد ساختار غربی حاکم بر روابط میان مردم، در جامعه عمان را به چالش بکشد و پیامدهای آن را که شامل کالاسازی زنان، طرد تعهد میان افراد و در نهایت، فروپاشی خانواده به عنوان نهاد اصلی جامعه می‌باشد، نمایان سازد. این شواهد می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که متن، مخاطب را به موضعی انتقادی نسبت به پیامدهای غرب‌زدگی فرامی‌خواند.

منابع و مأخذ

- الجرجانی، عبدالقاهر، (۱۹۹۷م). *دلائل الاعجاز؛ شرح و تعلیق محمد التنجی*، بیروت، دار الکتب العربی.
- الحارثی، جوخه، (۲۰۲۱م). *حریر الغزاة*، بیروت، دار الآداب للنشر و التوزیع.
- _____، (۲۰۱۰م). *سيدات القمر*، بیروت، دار الآداب للنشر و التوزیع.
- خالقی، علی و رضایی چوشلی، پوران، (۱۴۴۷ق). «استراتیجیة حنا مینة حول الحب و النضال ضدّ المستعمر الفرنسي في صراع امرأتين علی ضوء منهج الخطاب النقدي لفيركلاف»، فصلیة دراسات في السردانية العربية جامعة خوارزمي، دوره هفتم، شماره ۱ پاییز، صص ۴۹-۲۷.
- درپر، مریم، (۱۳۹۲ش). «بررسی ویژگی‌های سبکی داستان کوتاه جشن فرخنده از جلال آل احمد با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی»، فصلنامه جستارهای زبانی، دوره چهارم، شماره ۱ بهار، صص ۳۹-۶۴.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۷ش). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه.
- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۹۲ش). *هایدگر در ایران*، تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- عکاشه، محمود، (۲۰۰۵م). *لغة الخطاب السياسي دراسة لغوية تطبيقية في ضوء نظرية الاتصال*، مصر، دار النشر للجامعات.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹ش). *تحلیل انتقادی گفتمان؛ ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____، (۱۳۸۷ش). *تحلیل انتقادی گفتمان؛ ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران*، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- فردید، سیداحمد، (۱۳۸۱ش). *دیدار فرهی و فتوحات آخر الزمان؛ به کوشش محمد مددپور*، تهران، نشر نظر.
- گاردنر، ویلیام، (۱۳۸۶ش). *جنگ علیه خانواده؛ ترجمه معصومه محمدی*، چاپ اول، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- محسنی، محمدجواد، (۱۳۹۱ش). «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، *نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال سوم، شماره ۳، صص ۶۳-۸۶.
- النعمة، مفتوحة سلامة، (۲۰۲۴م). *الجملة المتعدية في رواية حریر الغزاة لجوخة الحارثی علی اساس نظرية تاغميميك كينيت ل. بيك*، جامعة مولانا مالک ابراهيم الإسلامية الحكومية مالانج، رسالة الماجستير، كلية العلوم الإنسانية، قسم اللغة العربية و آدابها.
- نیک‌فر، سمیه؛ صدرالدینی، اردشیر و یگانی، مصطفی، (۱۴۰۲ش). «تحلیل انتقادی گفتمان مهاجرت در رمان ساعه بغداد از شهد الراوی بر پایه نظریه نورمن فرکلاف»، *فصلنامه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره پانزدهم، شماره ۳ پاییز، صص ۴۳-۵۹.

References

- Abdolkarimi, B, (2012). Heidegger in Iran, Tehran, Iranian Institute of Philosophy (IRIP). [In Persian]
- Darpar, M, (2013). "Investigating the stylistic characteristics of the short story Jashn Farkhunde by Jalal Al-Ahmad with the approach of critical stylistics", *Linguistic research quarterly*, Volume 4, Spring issue 1, pp. 39-64. [In Persian]
- Fardid, A, (2002). *Meeting oh Farrah and apocalyptic conquests*, by Mohammad Madadpour, Tehran, Nazar publications. [In Persian]

- Fairclough, N, (1379). Critical analysis of the discours, Translated by Fatemeh Shayesteh Piran and colleagues, Tehran, Ministry of culture and islamic guidance. [In Persian]
- Fairclough, N, (1387). Critical analysis of the discours, Translated by Fatemeh Shayesteh Piran and colleagues, Second edition, Tehran, Bureau of mediastudies and planing. [In Persian]
- Fairclough, N, (1996). Language and Power, Longman Group UK Limited. [In English]
- Fairclough, N, (2001). "Critical Discourse Analysis as a Method in Social Scientific Research", In, Wodak, Routh and Michael Meyer, (Eds.), Methods of Critical Discourse Analysis, London: Sage Publications Ltd. [In English]
- Gairdner, W, (1386). The war against the family, Translated by Masoumeh Mohammadi, First edition, Qom, Office for Women's Studies and Research. [In Persian]
- Al-Harathi, J, (2021). Harir al-Ghazala, Beirut, Dar al-Adab lil-Nashr wa al- Tawzi. [In Arabic]
- Al-Harathi, J, (2010). Ladies of the Moon, Beirut, Dar al-Adab lil-Nashr wa al- Tawzi. [In Arabic]
- Al-Jorjani, A, (1997). Evidence of miracles, Commentary and Commentary of Mohammad al-Tanji, Beirut, Dar al-Kotob al-Arabi. [In Arabic]
- Khaleghi, A, Rezaei Choshali, P, (2025). "Hanna mina`s presentation of love and struggle against the French colonizer in the struggle of two women: A critical discourse analysis", Studies in Arabic narratology university of Kharazmi, Volume 7, Fall issue 1, pp.27-49.[In Arabic]
- Muhseni, M, (2012). "An Inquiry into Fairclough`s Theory and His Discourse Analysis Method", Journal of Social Cultural Knowledge, Volume 3, Issue3, pp. 63-86. [In Persian]
- Nikfar, S, Sadr al-Ddini, A, Yegani, M, (2023). "Critical Analysis of Emigration Discourse in the Novel The Baghdad Clock by Shahad al-Rawi Using Norman Fairclough`s Theory", Journal of Arabic Language and Literature Ferdowsi university of Mashhad, Volume 15, Autumn issue 3, pp. 43-59. [In Persian]
- Ni`mah, M, (2024). Bachelor`s thesis, Transitive Sentences In The Novel Kharirul Ghozalah By Jokha Al-Harathi Based On Kenneth L. Pike`s Tagmemic Perspective, Maulana Malik Ibrahim State Islamic University Malang, Faculty Of Humanities, Department Of Arabic Language and Literature. [In Arabic]
- Okasha, M, (2005). The language of political discourse, an applielinguistic study in the light of communication theory, Egypt, Dar al-Nashr Lil-Jami`at. [In Arabic]
- Safavi, K, (2007). An introduction to semantics, Tehran, Research institute. [In Persian]